



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۲۰/۰۹/۰۷



احسان الله مایار

صفحه ای از تاریخ

قسمت دوازدهم

یازده قسمت این سلسله که از نظر خوانندگان گذارش یافت، بنحوی میتوان آنرا امتحان و یا علاقمندی شان را در قبال گزارشات تاریخی عصر موجود و سهم قشر تعلیم یافته افغان در مهاجرت توجیه نمود. خوشبختانه در این مدت یکی دو ماه نشر این سلسله در حلقات مختلف انعکاس خوبی نموده که باعث مسرت و تشجیع بنده گردیده و از این رو تصمیم اتخاذ نمودم تا یک بار دیگر به اثر خود "قیام ملت افغان" و اثر جدید از طبع بر آمده بنده "جمعیت تحکیم وحدت" مرور نموده و تلخیص بعضی مطالب را از نظر خوانندگان گرامی بگزرانم.

در سال های مهاجرت اجباری از وطن بمنظور نجات خود و اعضای خانواده به قشر و عمری که بدان منصوبم نشیب و فراز نسبی را پیموده ام که در اخیر عمر خداوند را سپاس گزارم خود را بحیث یک افغان خدمتکار مردم و وطن خود شمرده بتوانم.

تعلیم یافته افغان نظر به گفته مرحوم داکتر محمد یوسف، فرزند برومند افغان، با سواد افغان در تاریخ معاصر افغانستان به دو قشر انشعاب نمودند که یکی آن به وطن زیبا و مردم نجیب افغان جنایاتی را مرتکب شدند که تا امروز ملت و خاک افغان ها از بار گران تباهی، قتل و قتال آن رهائی نمی یابند. تفصیل این همه رویداد از حوصله این نوشته خارج است.

قشری دیگری راه مهاجرت و یا واضحتر و عریان گفت فرار را از کاشانه خود ترجیح دادند و در جهان ناآشنا خود را به بازی سرنوشتی سپردند که در تاریکی مه و غبار لمس کنان راهی را جستجو نمودند که خیر و بقای زندگی شان را تصور می کردند و با امنیت موجود در کشور های بیگانه در صدد نجات وطن و مردم افغان عزیز خود دست بهم دادند.

این طبقه که وجه مشترک شان در نجات وطن و مردم از آردیده آن بنیادگذاری شده بود در جستجوی یکدیگر بوده تا روزیکه قدم به قدم با هم نزدیکتر شدند و با دید همراز و آزدیخواه در تعداد آن افزوده شدند.

با این مقدمه مختصر تا به روی صحنه بر آمدن یک تفکر سیاسی فراخ در سال ۱۹۸۱ م که از سال ۱۹۷۹ با ينطرف گروه های متفرق و کوچک وطندوستان آزدیخواه در اروپا و امریکا و دیگر ممالک گردهم آمدند تا اینکه از چوکات محدود بیرون بر آمده و در جامعه جهانی موقف آزدیخواهی و نجات وطن خود را مطرح نموده و با عنوان "جمعیت تحکیم وحدت، اسولا" پذیرفته شدند.

در نظر دارم تا شما را از محتوی یک اثر مستند که آنرا به روان پدرم، یکی از آزادیخواهان سرسپرده افغانستان اهداء نموده ام، مستحضر گردانم:

منظره عمارت زیبا ای که از نظر خوانندگان گزارش می یابد، بنام "عمارت کوه" موسوم است که بالای یک کوه مشجر قرار دارد و از آنجا میتوان دریاچه ای را که بنام های لمان و ژنیو Lac Leman, Lake Geneva یاد می شود، دید. قصر کوه Caux یکی از مشهورترین مراکز انعقاد کنفرانسهای متنوع از هر گوشه و کنار جهان می باشد. این عمارت که میتوان آنرا بدون مشکل قصر نامید در فاصله چند کیلومتری ژنیوا و لوزان کشور زیبای سویس قرار دارد.



رهبران مقاومت بیشتر کشورهای افریقائی زیراسارت ممالک اروپائی، علی الخصوص انگلستان، سنگ تهادب مبارزات سیاسی خودها را علیه استعمارگران در این مرکز زیبا گذاشته اند. سهمگیری در این قصر شرایط خاصی از خود دارد که بایست رعایت شود. تا جائیکه به خاطر دارم

شرایط قابل مراعات مدت اقامت در این قصر از این قرار اند:

وقتی که انسان داخل محل پذیرائی و ثبت اسم می کند، شخص موظف کلید اطاق را تسلیم میکند و به مهمان خود با احترام و مؤدب می گوید که در این محل مستخدم وجود ندارد و هرکدام دوست یکدیگر هستند که به روی برادری و برابری راه و قرار آینده خودها را مشترکاً قلم می زنند و بایست خدمت خود را خودشان بکنند. دردهلیز های قصر اطاق های خواب الماری ها که در داخل آن تمام ضروریات رهائش از قبیل روجائی، پوش بالشت، لحاف و دستمال های مرتب گذاشته شده وجود دارد که مهمان بایست از آنها استفاده نموده و بستر خود را خود ترتیب کند.

تمیز کردن روزمره تشناب و اطاق خواب بدوش مهمان است و روزیکه اطاق را ترک میکند، باید ستره در خدمت مهمان بعدی باشد.

در این قصر که چندین کنفرانس در عین زمان دایر میگردد، بیشتر از دوسه صد نفر سهم میگیرند و هر گروه مکلف است تا به نوبت ناشتا، طعام ظهر و یا طعام شب را از محل معین بدست آورده و خدمت همه را نمایند. نوبت ما ترتیب ناشتا بود و ما مجبور بودیم از ساعت چهار صبح آمادگی بگیریم تا از ساعت شش تا نه صبح خدمت مهمانها را نمائیم.

این قدم تربیوی در مرکز کنفرانس بمنظور نمونه ای از ضد استثمار بوده تا بدینا تفهیم نماید که هیچکس بلندتر از دیگر نبوده و هر کدام مساوی باهم هستند.

به روز نهم ماه جولائی ۱۹۸۱ مدعوین از هر طرف گردهم آمدند و در اطاق ریزف شده از طرف داکتر محمد یوسف، اولین صدراعظم دوره نظام خجسته دهه دیموکراسی پادشاهی اعلیحضرت محمدظاهرشاه، پذیرائی شده و در اطاق کنفرانس باهم معرفی شدند. اکثر چهره های دور میز باهم شناخت و یا سر دوستی داشتند. یگانه کسیکه کمتر با وی آشنائی داشتیم، داکتر محمدعرفان فطرت بود. داکتر فطرت مرد سیاه جرده چشمان نافذ و با محبت دارد که در اتلاننا امریکا شغل طبابت خود را پیش میبرد. وی با جناب عبدالمجید خان زابلی، یکی از چهره

های بزرگ اقتصاد کشور و خدمتگاران صدیق افغانستان که در بوستون زندگی میکنند، رابطه داشته و جناب زابلی با فطرت بموافقه رسیدند که هزینه یک کنفرانس بین الافغانی را جناب زابلی تهیه نموده و بایست هرچه زودتر نطفه یک ساختمان سیاسی برای آزادی وطن مشترک ما افغانستان گذاشته شود. توضیح بیشتر در این رابطه را لازم نمی بینم بل شما خوانندگان گرامی را مستقیم به اصل موضوع دعوت می نمایم.

۱۰-۷-۱۹۸۱-۹،۳۰ قبل از ظهر آغاز گردهم آیی بین الافغانی

اشخاصیکه در جلسه شرکت داشتند:

داکتر محمد یوسف، جنرال عبدالکریم مستغنی، داکتر ولید حقوقي، داکتر عظامحمد نورزي، داکتر غلام محمد نیاز، همایون آصفی، میرمن پروین علی، تاج محمد تاج، داکتر محمد قاسم فاضلی، داکتر عبدالحکیم طیبی، سید قاسم رشتیا، عبدالمجید عزیز، محمد یحیی معروفی، داکتر عرفان فطرت و انجنیر احسان الله مایار مجلس باتلاوت چند آیت از کلام الله، کتاب مقدس مسلمانان، توسط داکتر نیاز افتتاح گردید. باثر پیشنهاد داکتر محمدیوسف و تائید حاضرین اجلاس، داکتر عرفان فطرت بحیث رئیس و میرمن پروین علی بحیث منشی مجلس انتخاب شدند.

اجندای مجلس :

- بحث در مورد اتحاد های فعلی افغانی در پاکستان و ساختمان سیاسی آنها
- بوجود آوردن اتحاد سرتاسری بین تنظیم ها و احزاب جهادی در پاکستان
- پیوند گروه های جهادی با مهاجرین افغانی
- برقراری تماس با گروه های خارج تنظیم ها و احزاب در داخل و خارج از کشور
داکتر فطرت از سهمگیری مدعوین اظهار امتنان کرده، اظهار داشت وی از رهبران تنظیم ها و احزاب دعوت نموده بود تا در این جلسه بین الافغانی سهم بگیرند. متأسفانه آنها نسبت داغ بودن جبهات جهادی داخل افغانستان،



پاکستان را ترک کرده نتوانستند و از سهمگیری خویش معذرت خواسته اند.

داکتر محمد یوسف بعد توضیح و معلومات مقدماتی درباره اوضاع داخلی کشور نظر خود را در چوکات چند سوال مطرح گردانید:

- مطلب از این گردهم آیی ما چی میباشد؟

- درقبال اوضاع امروزی درکشور کدام وظیفه ای بما محول گردیده میتواند؟

بعد از مشخص گردانیدن دواصل فوق، وی عقیده دارد که ابعاد جهادی را

داکتر محمد یوسف، اولین صدراعظم دهه دیموکراسی

میتوان به سه اصل ذیل تنسیق کرد :

- جبهه مقدم و یا اولی در داخل کشور
- جبهه دومی که در واقعیت متمم جبهه اولی بوده و وظیفه نسبی در ترتیب پروگرام کار، تهیه مواد لوژستیک و ساختمان احزاب و تنظیم ها را خارج از کشور دارند.

- جبهه سومی، میتواند سازمانیباشد تا قوای بشري افغاني را در چوكاتي گنجانيده كه بتواند منحيث مؤيد و همكار در جهاد افغانستان سهم داشته باشند و اخير الامر تشكّل يك قدرت سرتاسري جبهه متحد را روي صحنه سياسي و جهادي معرفي نمايد.

بمنظور رسيدن باين اهداف در قدم اول بايست با رهبران جهادي تماس مستقيم بر قرار كرد و با ايشان بتفاهم رسيد و اطمينان خاطر شانرا بدست آورد كه منظور از اين طرز العمل ما صرف جنبه همبستگي و يكدستي با جهاد بوده و كدام مطلب ديگري در آن نهفته نمي باشد.

در قدم بعدي بايد با انجمن ها و گروه هاي افغاني در اروپا و بعداً در امريكا تماسها برقرار گردد تا تساند و همبستگي آنها را دور يك محور وسيع، ممد جهاد، بوجود آورد.

بعد از ختم صحبت مختصر داکتر محمد يوسف همایون آصفی درباره اوضاع کشور، برویت تماسهای شخصی وی با منابع خبررسانی، بتفصیل معلومات داد كه در نتیجه دو اصل ذیل از آن مبرهن گردید:

- در جبهات جنگ علایم مثبت و چشمگیر موفقیت وضاحت دارد

- در افق سياسي و معرفي جهاد مردم افغانستان در خارج از کشور كوتاهي هاي غير قابل تردید موجود است كه اين كمبودي را ميتوان مشكل بزرگ مقاومت مردم افغان ارزيايي كرد. بعد از صحبت همایون آصفی سيد قاسم رشتيا درباره اوضاع جهاد معلومات مفصل داده و نكته قابل يادآوری آن مطلب پايان ميباشد:

"اکثر عساکر اردوي رژيم کابل از خدمت زیر بیرق فرار کرده و با سلاح دستداشته خود و يا بغنيمت گرفته از قشله هاي عسکري، در صف مجاهدين مي پيوندند. كمبودي عسکر براي رژيم کابل مشكلات خلق کرده و جهت دفع اين معضله به گير و گرفت جوانانیکه سن شان به ۱۴ سال رسیده باشد، اقدام کرده كه بعد از يك تربيت مختصر نظامي به جبهات جنگ فرستاده ميشوند".

اجلاس بعد از بحث و نظريات عميق درباره سهمگيري جبهه سومي (نظر داکتر محمد يوسف) ساعت ۷ شام خاتمه يافت.

۱۱-۷-۱۹۸۱

شروع جلسه ساعت ۹ صبح

بعد از تلاوت چند آيه از قران مجيد، بدوام تبادل افكار ديروزي هر يك درباره نحوه كار در رابطه با حلقات موجوده نظرياتي داده و تا ساعت ۱،۳۰ بعد از ظهر دوام كرد. قبل از ختم اجلاس، كميته اي جهت تسويد اساسنامه جمعيت تعيين گردید كه تا فردا سند متذکره را ترتيب و به جلسه پيش كنند.

اشخاص تعيين شده عبارتند از: داکتر عبدالحکيم طيبي، داکتر وليد حقوقي، داکتر قاسم فاضلي، همایونشاه آصفی

ساعت ۳،۰۰ ادامه جلسه

كميسيون تسويد اساسنامه در اطاق جداگانه به كار خود آغاز و متبقي اعضاي جلسه به بحث خود ادامه دادند.

هيئتي مشتمل بر آقايون ذیل:

حميدالله عزيزي، ولي محمدزکريا، نجيب الله زکريا، عزيزاحمد زکريا، نصيرکاسم، صابر اعظم و غلام دستگیرنوري به نمايندگي از جمعيت افغان هاي مقیم سويس در جلسه شرکت کردند.

بعد از صحبت های مثر، حمیدالله عزیزي سكرتر جنرال جمعيت افغان هاي مقیم سويس به نمايندگي از اعضاي جمعيت، همبستگي خود را با نهضت جديد در حال تشكّل اعلام كرد.

در جريان بحث يكي از شاملين جلسه مقاوله اي را كه بين تنظيم هاي، حركت اسلامي افغانستان بقيادت مولوي



محمد نبي محمدي، جبهه نجات اسلامي افغانستان برهبري حضرت صيغت الله مجددي و محاذ ملي برياست پير سيد احمد گيلاني بتاريخ ۲-۶-۱۹۸۱ در پشاور بامضاء رسیده، به جلسه پيش كرد. در اين مقاوله كه در ۱۰۳ ماده تشریح گردیده ساختمان اتحاد مجاهدين را نويد ميدهد و همچنان تذکر رفته كه احتمالاً

عده ای از اعضای اجلاس موسسان: از ر به چ: داکتر ق. فاضلي، ا. مایار-داکتر ع. فطرت- جنرال ك. مستغنی- س. ق. رشتيا، داکتر و. حوقی احزاب مربوط به حزب اسلامي حكمتيار، جمعيت اسلامي برهان الدين رباني و حزب اسلامي مولوي خالص بتاريخ ۱۶ جون امضاء کرده باشند.

این خبر كه آرزوي گردهم آيي اين جلسه را فراهم ميسازد باعث مسرت همه گرديد. داکتر محمد يوسف از این دست آورد فرخنده ابراز خورسندي کرده به اعضاي کمیسیون تسويد مشوره داد تا در قبال این رویداد نظريات خود را روي کاغذ آورند. ختم جلسه ساعت ۷ شام

ادامه دارد